نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هفتم، زمستان ۱۴۰۲، شماره چهارم، صفحات ۶۶۲ تا ۶۶۴

نامه به سردبیر

هزینه نابرابری: رمزگشایی از عدالت در تغذیه در اقتصاد سیاسی

مونا پورقادری[۱]، امیرحسین تکیان[۲*]

۱. دکترای تخصصی سیاست‌های غذا و تغذیه، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. *نویسنده مسئول: استاد سیاست‌گذاری سلامت، دانشکده بهداشت، معاون پژوهشی مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران، takian@tums.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

سردبیر محترم نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی

ناکامی سیاست‌گذاران در توجه بایسته به «عدالت در تغذیه» به‌عنوان یک مؤلفه اساسی از دیدگاه اقتصاد سیاسی، عوارض و هزینه‌های گسترده‌ای برای کشور در پی دارد. عدالت در تغذیه به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در دسترسی به غذای کافی و مغذی اشاره دارد که از پیامدهای تغذیه‌ای مطلوب و رفاه کلی همه افراد، صرف‌نظر از وضعیت اجتماعی-اقتصادی، جنس، نژاد، قومیت، موقعیت جغرافیایی یا دیگر عوامل حمایت می‌کند (۱). اقتصاد سیاسی عدالت در تغذیه، یک چشم‌انداز حیاتی برای درک و رسیدگی به بی‌عدالتی‌های سیستمی است که نابرابری‌های تغذیه‌ای و سلامت را تداوم می‌بخشند. نابرابری‌ها در نظام‌های غذایی به‌عنوان تفاوت‌های مشاهده شده میان افراد و گروه‌ها (در صورت تفکیک موقعیت اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی) در پیامدهای مربوط به امنیت غذایی و تغذیه یا عوامل مرتبط با نظام‌های غذایی مانند دسترسی به منابع تولید غذا تعریف می‌شوند (۱). درحالی‌که، بی‌عدالتی‌ها زیربنای نابرابری‌ها هستند و به‌عنوان دلایل قابل‌اجتناب برای توزیع نابرابر و اینکه چرا وضعیت نامطلوب به‌طور نظام‌مند بر اساس عدم‌تقارن در موقعیت اجتماعی، تبعیض و قدرت افزایش می‌یابد، در نظر گرفته می‌شوند (۲). نادیده گرفتن اقتصاد سیاسی در بحث عدالت در تغذیه، با ساده‌انگاری بیش از حد مسئله، اثربخشی مداخلات را نیز محدود می‌سازد.

توجه به این‌که تصمیم‌ها در سطح کلان، چگونه بر توزیع ثروت، قدرت و فرصت‌ها در یک جامعه تأثیر می‌گذارند؛ می‌تواند بینش ارزشمندی را در مورد تلاقی سیاست، اقتصاد، تغذیه و سلامت عمومی ارائه دهد:

نابرابری اجتماعی و اقتصادی: نابرابری‌ها در تغذیه، اغلب با نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی گسترده‌تر تلاقی دارند. نپرداختن به عدالت در تغذیه، اختلاف درآمد و ثروت موجود را تشدید می‌کند که می‌تواند به‌تدریج به گسترش نابرابری در جامعه دامن زند (۱، ۳). سطوح بالای نابرابری می‌تواند پیامدهای منفی از جمله کاهش انسجام اجتماعی و اعتماد به دولت‌ها را در پی داشته باشد. در شرایطی که بخش قابل‌توجهی از جمعیت، به دلیل عوامل اقتصادی یا اجتماعی به غذای مغذی دسترسی نداشته باشند، احساس بی‌عدالتی می‌تواند در اعتراضات، اعتصابات یا حتی ناآرامی‌های مدنی تجلی یابد و رشد اقتصادی را مختل کند (۴، ۵).

ثبات سیاسی: نابرابری‌های مداوم در دسترسی به غذای مغذی می‌تواند اعتماد به نظام سیاسی را کاهش دهد و یا از بین ببرد. شهروندانی که تصور می‌کنند نیازهای اساسی آنها توسط سیاست‌گذاران مورد توجه قرار نمی‌گیرد، ممکن است از روند سیاسی جاری ناامید شوند. این می‌تواند به بی‌تفاوتی رأی‌دهندگان یا در موارد شدید، بی‌ثباتی سیاسی منجر شود (۶).

قدرت سیاسی: بیشتر اوقات، گروه‌های خاصی که به‌طور نظام‌مند از نظر تغذیه در محرومیت هستند، قدرت سیاسی کمی دارند (۷). این امر می‌تواند منجر به فقدان نمایندگی و کاهش حمایت از سیاست‌هایی شود که عدالت در تغذیه را ترویج می‌کنند که خود می‌تواند به ریشه‌دارتر شدن این مشکل بیانجامد. از طرفی، سیاست‌گذاران ممکن است تحت تأثیر افراد و شرکت‌های پرنفوذی قرار گیرند که از وضعیت موجود سود می‌برند و چرخه‌ای از نابرابری درآمد را تداوم می‌بخشند که به‌نوبه خود می‌تواند نابرابری در دسترسی به غذای مغذی را تشدید کند.

هزینه‌های مراقبت‌های سلامت: مشکلات تغذیه‌ای ناشی از بی‌توجهی به سیاست‌ها در این حوزه، می‌تواند منجر به افزایش هزینه مراقبت‌های سلامت شود. افرادی که دسترسی محدودی به غذای مغذی دارند، بیشتر در معرض ابتلا به بیماری‌های مزمن مانند چاقی، دیابت و بیماری‌های قلبی عروقی هستند (۸). این شرایط با افزایش تقاضا برای دریافت خدمات، بار مالی بیشتری را بر نظام‌های سلامت تحمیل می‌کند و بودجه بخش خصوصی و دولتی را تحت فشار قرار می‌دهد. در بسیاری از اقتصادها، مراقبت‌های سلامت بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های عمومی را تشکیل می‌دهند. درمان بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی که می‌توانستند از طریق سیاست‌های تغذیه‌ای بهتر و آگاهانه‌تر پیشگیری شوند، منابع را از سایر خدمات عمومی ضروری و توسعه زیرساخت‌ها منحرف خواهد کرد.

تأثیرات بین‌نسلی: سوءتغذیه می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود(۸). کودکانی که از مادران دارای سوءتغذیه به دنیا می‌آیند، بیشتر با

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.20]

مشکلات سلامتی مواجه می‌شوند. این چرخه بین‌نسلی ناشی از تغذیه نامناسب، فقر و نابرابری را تداوم می‌بخشد که پیامدهای سیاسی و اقتصادی بلندمدت از جمله وابستگی به برنامه‌های حمایتی دولتی را به دنبال خواهد داشت.

برنامه‌های رفاه اجتماعی: بی‌توجهی به عدالت در تغذیه ممکن است سیاست‌گذاران را مجبور کند که منابع بیشتری را به برنامه‌های رفاه اجتماعی، مانند حمایت‌های غذایی و یارانه‌های مربوط به سلامت اختصاص دهند تا عواقب تغذیه ناکافی را تخفیف دهند. در چنین شرایطی، با اعمال فشار بر بودجه عمومی، ممکن است افزایش مالیات یا تخصیص منابع از سایر حوزه‌ها اجتناب‌ناپذیر شود که خود چالش‌های مالی جدی و پیامدهای سیاسی برای دولت‌ها به همراه خواهد داشت.

تخصیص منابع: تخصیص منابع در جامعه، از جمله دسترسی به غذای مغذی، اغلب تحت تأثیر تصمیمات سیاسی و ساختارهای قدرت است (۳). نادیده گرفتن عدالت در تغذیه می‌تواند نابرابری‌های موجود در توزیع منابع، تمرکز قدرت و ثروت در دست عده‌ای کم شمار را تداوم بخشد و بسیاری از شهروندان را به حاشیه براند.

لابی‌گری و منافع ویژه: صنایع غذایی و سایر گروه‌های ذی‌نقش می‌توانند تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری‌های سیاستی مرتبط با تغذیه داشته باشند. هنگامی‌که عدالت در تغذیه در اولویت قرار نگیرد، احتمال تأثیرپذیری سیاست‌گذاران از این گروه‌ها افزایش می‌یابد که بالقوه می‌تواند به سیاست‌هایی منجر شود که سودآوری اقتصادی را بر سلامت عمومی ترجیح می‌دهند.

توسعه سرمایه انسانی: نادیده گرفتن عدالت در تغذیه نشان‌دهنده هزینه فرصت از دست رفته برای توسعه سرمایه انسانی یک کشور است. سرمایه‌گذاری در تغذیه و امنیت غذایی می تواند بازده قابل‌توجهی از نظر بهبود سلامت، نتایج آموزشی و بهره‌وری نیروی انسانی داشته باشد (۱). ناکامی در انجام چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، به معنای چشم‌پوشی از مزایای بالقوه‌ای است که می‌توانست به رشد اقتصادی و رقابت پذیری جهانی در حوزه اقتصاد کمک کند.

بهره‌وری نیروی کار: افراد دارای سوءتغذیه ممکن است مشارکت، عملکرد شغلی و ظرفیت درآمدی کمتری داشته باشند (۸). این امر نه تنها بر معیشت افراد تأثیر منفی می‌گذارد؛ بلکه منجر به افزایش هزینه‌های بازار کار برای کارفرمایان و کاهش توان رقابت اقتصادی برای کشور می‌شود. نیروی کار با تغذیه خوب و سالم، یک مزیت رقابتی در بازار جهانی است. بی‌توجهی به عدالت در تغذیه می‌تواند کشور را در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فرصت‌های تجاری در تنگنا قرار دهد.

روابط بین‌الملل: از منظر اقتصاد سیاسی، نادیده گرفتن عدالت در تغذیه می‌تواند نگرانی‌های اخلاقی و حقوق بشری ایجاد کند و ممکن است به جایگاه بین‌المللی یک کشور از نظر رعایت حقوق بشر آسیب رساند (۹، ۱۰). نادیده گرفتن عدالت در تغذیه، سؤالات اخلاقی در مورد نقش دولت و سیاست‌گذاران در تضمین توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها و «عمل به تعهدات حاکمیتی» ایجاد می‌کند و اصول نمایندگی دموکراتیک و عدالت اجتماعی را به چالش می‌کشد. از طرفی، شهرت یک ملت در جامعه بین‌الملل می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌های تغذیه‌ای آن کشور قرار گیرد. مسائل مداوم مربوط به سوءتغذیه و نابرابری‌های غذایی ممکن است منجر به انتقاد سازمان‌های بین‌المللی شود و به‌طور بالقوه بر روابط دیپلماتیک، توافق‌نامه‌های تجاری و کمک‌های خارجی تأثیر بگذارد.

برای اجتناب از این عوارض و هزینه‌ها، سیاست‌گذاران باید پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بلندمدت تصمیم‌های خود را در نظر بگیرند، سیاست‌های فراگیر و عادلانه را در اولویت قرار دهند و در سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد که نیازهای تغذیه‌ای همه اقشار جامعه را برطرف می‌کند، همت گمارند. از منظر اقتصاد سیاسی، پرداختن به عدالت در تغذیه تنها یک مسئولیت اجتماعی یا موضوع عدالت و رفاه اجتماعی نیست؛ بلکه یک سرمایه‌گذاری راهبردی برای ثبات سیاسی و اقتصادی بلندمدت، رقابت جهانی و توسعه پایدار محسوب می‌شود.

منابع

1- Nisbett N, Harris J, Backholer K, Baker P, Jernigan VB, Friel S. Holding no-one back: the nutrition equity framework in theory and practice. Glob Food Sec 2022; 32: 100605.

2- Commission on Social Determinants of Health. Closing the gap in a generation: health equity through action on the social determinants of health: final report of the commission on social determinants of health. Geneva: World Health Organization; 2008.

3- The High Level Panel of Experts on Food Security and Nutrition. Reducing inequalities for food security and nutrition. 2023. Available at: https://www.fao.org/3/cc6537en/cc6537en.pdf

4- Soffiantini G. Food insecurity and political instability during the Arab Spring. Glob Food Sec 2020; 26: 100400.

5- Klasen S. Poverty, inequality, and the "Arab spring". Rev Income Wealth 2018; 64(S1): S1-4.

6- Luciani G. Combining economic and political development: the experience of MENA. Leiden: Brill Nijhoff; 2017.

7- Pourghaderi M, Omidvar N, Takian A, Mohammadi Kangarani H. Designing and Monitoring Inter-Sectoral Collaboration in Food Assistance Program for Vulnerable Groups. Iran J Cult Health Promot 2022; 6(3): 483-485. [In Persian]

8- Micha R, et al. 2020 global nutrition report: action on equity to end malnutrition. 2020. Available at: https://globalnutritionreport.org/reports/2020-global-nutrition-report/

9- Fanzo J. Ethical issues for human nutrition in the context of global food security and sustainable development. Glob Food Sec 2015; 7: 15-23.

10- Cole MB, Augustin MA, Robertson MJ, Manners JM. The science of food security. NPJ Sci Food 2018; 2: 14.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.20]

Letter to Editor

Cost of Inequality: Deciphering Nutrition Equity in the Political Economy

Mona Pourghaderi[1], Amirhossein Takian[2*]

1. PhD in Food and Nutrition Policy, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. ⁎**Corresponding Author:** Professor, School of Public Health, Chief of Research, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences; Associate Member, National Academy of Medical Sciences, Tehran, Iran, takian@tums.ac.ir

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.20]